بسم الله الرحمن الرحیم

راه‌های تقویت روحیه شهادت و ایثار در مسجد

فیش منبر

ایجاد انگیزه

در زمان رسول اکرم (ص) یکی از مهمترین نقش‌های مسجد، تدارک مقدمات فکری و بسیج عمومی مسلمانان به منظور جهاد با کفار بوده است. همین نقش در جریان نهضت امام خمینی (ره) در سال 1342 و پس از آن در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) مساجد نیز همانند دوران صدر اسلام جایگاه واقعی خود را باز یافتند؛ به طوری که نیروهای فعال در مساجد، به طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند. تأثیر این مکان مقدس در جذب نیروهای رزمنده بسیجی و آموزش آن‌ها و نیز پشتیبانی و فعالیت‌های پشت جبهه، بر هیچ‌کسی پوشیده نیست.

بر این اساس حضرت امام (ره) می‌فرمود: «اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیاء نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟»[[1]](#footnote-1)

از جمله مواردی که اهمیت فوق‌العاده حضور مردم در مساجد را از دیدگاه حضرت امام (ره) عیان می‌سازد، پیامی است مبنی بر اینکه تمامی اسلحه‌هایی که در اوج تظاهرات و درگیری‌ها به دست مردم افتاده است، به مساجد تحویل داده شود. این پیام که با استقبال همگان مواجه شد، تأکید دیگری بر این مطلب است که علاوه بر اهمیت تجمع در مسجد، نقشه‌های دشمنان را خنثی می‌کرد. این در حالی است که مکان‌های دیگر نظامی و انتظامی می‌توانست به عنوان پایگاه جمع‌آوری معرفی شود و این چیزی نیست جز اهمیت حضور در مساجد و پیوند و ارتباط جامعه با مسجد و روحانیت.

حضرت امام (ره) در بخشی از این پیام می‌فرمایند: «باید تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است، جمع شوند! هر کس اسلحه‌ای پیدا کرد، باید به مسجد محله خود ببرد و به امام جماعت مسجد تحویل بدهد و بعد این اسلحه‌ها از مساجد به کمیته آورده می‌شود.»[[2]](#footnote-2)

همچنین امام بزرگوار با تأکید بر نقش محوری مسجد در خنثی کردن نقشه‌های دشمنان اسلام می‌فرمایند: «این‌ها از مسجد می‌ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم؛ به شما بگویم. شما دانشگاهی‌ها شما دانشجوها، همه‌تان مساجد را بروید پرکنید! سنگر هست اینجا؛ سنگرها را باید پر کرد.»[[3]](#footnote-3)

«سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد[[4]](#footnote-4)»

با توجه به تأکیدات امام راحل (ره) بر حفظ کاربری نظامی از مسجد و تشبیه مسجد به سنگر، این سؤال به ذهن می‌آید که رابطه مسجد و سنگر چیست؟ مساجد چگونه می‌توانند فرهنگ ایثار و شهادت را ترویج دهند؟

متن و محتوا

مجاهدت، فداکاری، ایثار و در نهایت شهادت، راهی است برای رسیدن به آرمان‌هایی که از متن اسلام ناب به ما رسیده است. حفظ این روحیه و فرهنگ است که انسان‌ها را می‌تواند در میدان‌های گوناگون و در تمامی ناملایمات و سختی‌ها حفظ کند که این در زمان ما ارزش مضاعفی دارد. علت هم این است که امروز دشمنان اسلام نسبت به طول تاریخ مجهزترند. بارها در کلام رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) این موضوع تکرار شده که بیانگر اهمیت آن در طول تاریخ انقلاب اسلامی می‌باشد.

در پرتو فرهنگ ایثار و شهادت حیات پرنشاط، بالندگی، حماسه سازی، سیادت، عزت، امید و تعهّد در همه حوزه‌ها به دست می‌آید و نیز خمودی، بی تحرّکی، ذلّت و سقوط در اثر فقدان فرهنگ ایثار و شهادت، پدید می‌آید.

راه‌های تقویت روحیه ایثار و شهادت‌طلبی

1. **تقویت باور‌ها و اعتقادات نسبت به ایثار و شهادت**

یکی از راه‌های تقویت روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، تقویت باور‌ها و اعتقادات نسبت به ایثار و شهادت است. از رسالت‌های اصلی مسجد اعتقادسازی است و فردی که با مسجد مرتبط می‌گردد، باید بنیان‌های فکریش کاملاً در مسجد قوت گیرد تا در بزنگاه‌ها سست نگردد. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلاَّ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدينا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ[[5]](#footnote-5)؛ بگو: «آيا درباره ما، جز يكى از دو نيكى را انتظار داريد؟!: (يا پيروزى يا شهادت) ولى ما انتظار داريم كه خداوند، عذابى از سوى خودش (در آن جهان) به شما برساند، يا (در اين جهان) به دست ما (مجازات شويد) اكنون كه چنين است، شما انتظار بكشيد، ما هم با شما انتظار مى‏كشيم!»

«فرد معتقد به این آیه، شهادت را نابودی و مرگ تلقی نمی‌کند؛ بلکه آن را به عنوان حسنه و یکی از دو نیکی می‌داند ... آن دو، پيروزى و شهادت است.»[[6]](#footnote-6)

رسول اکرم (ص) جهت تقویت باور و اعتقاد نسبت به ایثار و شهادت به مسلمانان می‌فرماید: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بِرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بِر[[7]](#footnote-7)؛ بالاتر از هر نیکی، نیکی است تا اینکه مرد در راه خداوند شهید شود، پس هنگامی که در راه خدا شهید شود، بالاتر از آن نیکی نیست.»

امیرالمؤمنین علی (ع) مي‌فرمايد: «إِنَّ اَلْمَوْتَ طَالِبٌ حَثِيثٌ لاَ يَفُوتُهُ اَلْمُقِيمُ وَ لاَ يُعْجِزُهُ اَلْهَارِبُ إِنَّ أَكْرَمَ اَلْمَوْتِ اَلْقَتْلُ وَ اَلَّذِي نَفْسُ اِبْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِيتَةٍ عَلَى اَلْفِرَاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اَللَّهِ[[8]](#footnote-8)؛ گرامي‌ترين مرگ‌ها كشته شدن در راه خداست. سوگند به آن‌کس كه جان پسر ابوطالب در دست اوست هزار شمشير بر من آسان‌تر از مرگ در بستر استراحت، در مخالفت با خداست.»

از چنین کلامی بر می‌آید که صاحب سخن، عقیده‌ای محکم نسبت به آینده زندگی در دنیای دیگر دارد.

اگر ما ادعای شیعه و پیروی از چنین امامی داریم، باید باورهایمان از حد زبان فراتر رفته و خود را در عمل نشان دهد.

در اینکه شهدای دفاع مقدس بالاترین سطح اعتقاد به الله و حاکمیت مطلق او داشته‌اند و عموماً هدف خود را رضایت او مطرح کرده‌اند، نیازی به استدلال و استناد نیست.

عبارات «الله»، «اهتزاز پرچم لااله‌الاالله بر فراز جهان»، «پیروزی حق بر باطل در کل جهان»، «نابودی ستمگران و مستکبران» «نجات مستضعفان و پا برهنگان» و عبارات مشابه که تکیه‌کلام شهدا و ادبیات متداول دوران دفاع مقدس بود، در آثار آن‌ها به چشم می‌خورد که همه دلالت بر اعتقاد آن‌ها به حاکمیت مطلق الله برجهان دارد. به‌عنوان نمونه، عباراتی از شهید حسین خسروشاهی است که می‌فرماید: «...و تو ای امام، از ما راضی باش و بدان که تا برقراری دین اسلام و اجرای قوانین حیات‌بخش قرآن در سراسر جهان از پای نخواهیم نشست»[[9]](#footnote-9)

شهید صفر جعفر زاده در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: «جوانان عزیز از راه مستقیم اسلام خارج نشوید و... همیشه در تداوم انقلاب اسلامی کوشا باشید ... و برای حاکمیت اسلام و حکومت مستضعفین این وارثین به‌حق زمین، کوشش کنید.»[[10]](#footnote-10)

هر شخصی که مقام شهید و شهادت را درک کند، این مهمترین آرزوی زندگی او می‌شود.

1. **زنده نگه‌داشتن نام و یاد شهیدان**

يكي از عوامل مؤثر در تقویت روحیه شهادت‌طلبی و همچنين الگوسازي و تربيت نيروهاي مجاهد، زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره شهدا است.

امیرالمؤمنین علی (ع) براي گرامي‌داشت شهدا و ايجاد آمادگي در مردم قبل از فراخوان عمومي براي نبرد با شاميان فرمودند: «برادران ما، خونشان در صفين ريخته شد، زيان نكردند كه امروز زنده نيستند. سپس فرمود: كجايند برادران من كه راه حق را سپردند و با حق رخت به خانه آخرت بردند؟ كجاست عمار؟ كجاست پسر تيهان؟ كجاست ذوالشهادتين؟ و كجاست همانندهاي ايشان از برادرانشان كه با يكديگر به مرگ پيمان بستند و سرهاي آنان را به فاجران هديه كردند؟ پس آن حضرت دست به ريش مبارك خود گرفته و زماني دراز گريست سپس فرمود: دريغا از برادرانم كه قرآن را خواندند و در حفظ آن كوشيدند... به جهاد فرا خوانده شدند و پذيرفتند به پيشواي خود اعتماد كردند و در پي او رفتند آنگاه با بانگ بلند فرمودند: جهاد! جهاد! بندگان خدا! من همين امروز لشگر آماده مي‌كنم. كسي كه مي‌خواهد به سوي خدا رود بيرون شود».[[11]](#footnote-11)

در وصیت‌نامه شهید حمید صالحی از شهدای دفاع مقدس چنین آمده است: «امت شهیدپرور ایران! ای کسانی که صدای مرا می‌شنوید یا وصیت‌نامه مرا می‌خوانید؛ بدانید! اکنون که عازم عملیات هستم با چشمانی باز و ضمیری روشن به راهم که همان راه اسلام است می‌روم.»[[12]](#footnote-12)

یکی از شهیدان مخلص ایران (در جنگ تحمیلی ایران و عراق) در قسمتی از وصیتش چنین می‌نگارند:
«دو هزار تومان از مالم را به صندوق سپاه پاسداران بدهید، به خاطر اینکه شاید از کاغذهای و قلم اداره سپاه احیاناً، بدون مجوز استفاده کرده باشم.

دو فرش دارم، یکی از آن‌ها را به مسجد بدهید تا در مسجد بیندازند. فرش دیگر در خانه باشد تا بچه‌های محله بیایند و روی آن فرش، مراسم مذهبی خود را اجرا کنند!

ای عصای دست من ای کودکم! پس از من کوله‌بار پر از گلوله‌ام را برگیر و راهم را تا محو کامل استکبار ادامه بده.»[[13]](#footnote-13)

همیشه فضا و فضاسازی می‌تواند در انتقال مفاهیم تأثیر به سزایی داشته باشد. برای مثال محل شهادت شهدا همیشه دارای معنویتی است که خودبه‌خود نفس انسان را اسیر خود می‌کند. از آنجا که مساجد خانه خدا و محل رفت‌وآمد و مأمن و مأوای شهدا بوده، استفاده از فضای معنوی مسجد که با عطر شهدا مزین شده باشد، می‌تواند در تعالی معنویت انسان بسیار مؤثر باشد.

با توجه به آیه شریفه: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ[[14]](#footnote-14)؛ هرگز كسانى را كه در راه خدا كشته شده‏اند، مرده مپندار، بلكه زنده‏اند كه نزد پروردگارشان روزى داده مى‏شوند.» در دوران ما به جرأت می‌توان گفت حضور شهدا در مسجد معنای جدی‌تر و ملموس‌تری می‌گیرد. پس باید یاد و خاطره شهدا در مساجد جدی‌تر گرفته شود.

یکی از رزمندگان دفاع مقدس می‌گوید: «بعد از جنگ، شبی دوستم «حسین شاد رویی» به خوابم آمد. ‌دیدم در مسجد هستیم و می‌خواهیم نماز را شروع کنیم. یک‌دفعه حسین وارد شد. بچه‌ها دورش را گرفتند. تو مگر شهید نشدى حسین؟! برای نماز آماده شده بود. گفت: نه، من هستم!

چند بار این کار را تکرار کرد. بچه‌ها می‌گفتند: اما تو…

ایشان هم باز می‌گفت: من هستم؛ حتى تو نماز جماعت مسجد (هستم).

خیلى هم با تأکید می‌گفت که تو نماز جماعت مسجد هستم. آن‌وقت به نماز ایستاد و با ما نماز را خواند
و ما اعتقاد داریم که شهیدانمان در صف‌های نماز جماعت و جمعه حضور دارند. به همین خاطر است که این‌ها هنوز زنده هستند و پویا.»[[15]](#footnote-15)

1. **پیوند با سالار شهیدان**

 یکی دیگر از راه‌های تقویت روحیه ایثار و شهادت، پیوند با سالار شهیدان است. هرچقدر پیوند ما با سالار شهیدان بیشتر شود، روحیه ایثار و شهادت‌طلبی تقویت می‌شود؛ زیرا امام حسین (ع) نماد ایثار و شهادت است و فرهنگ ایثار را در دشت کربلا نهادینه کرده است.

برادر شهید احمد حاجیوند ‌الیاسی‌ درباره پیوند برادرش با سالار شهیدان می‌گوید: «همزمان با آغاز محرم حال و هوای احمد عوض می‌شد و او بی‌تاب عزای حسین (ع) می‌گریست و بر سینه می‌زد و نوای یا حسین (ع) سر می‌داد و همیشه می‌گفت: محمد، اگر می‌خواهیم حسینی شویم، باید این راه را ادامه دهیم و اگر عزای سالار شهیدان یک دهه است، ما دو دهه به عزاداری بپردازیم. احمد می‌گفت: محمد، آدم با کلام حسینی نمی‌شود، باید راه را شناخت و در مسیر آن حرکت کرد، راه حسین (ع) شجاعت و حضور است، آدم با سکوت و یکجا ایستادن حسینی نمی‌شود، برای حسینی شدن باید بلند شد، باید ایستاد و باید حرکت کرد.

احمد جاجیوند الیاسی، این جوان بزرگوار پس از آغاز حمله کوردلان داعشی و هتک حرمت به حرمین شریفه اهل‌بیت (ع) تاب نیاورد و از آنجا که انتظار شهادت در منظر بانوی کربلا را در سینه داشت، سرانجام به جبهه سوریه رفته و در بهمن‌ماه سال 1394 و همزمان با سالروز پیروزی انقلاب اسلامی به آرزوی خود رسید و آسمانی شد.»[[16]](#footnote-16)

عصر سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار بود، فرقه ضاله بابی و بهایی پدید آمده و کم‌کم در گوشه و کنار عده‌ای گمراه به آن گرویدند، علماء و وعاظ و دانشمندان، برحسب وظیفه خود، به مردم هشدار دادند تا گول آن فرقه استعماری را نخورند. یکی از علماء که از مجتهدین زاهد و مبارز بود، مرحوم آیت‌الله حاج «ملا محمدتقی برغانی قزوینی (شهید ثالث)» است. او امامت جماعت مسجد حضرت امام قزوین را برعهده داشت و گاهی منبر می‌رفت و اقامه نماز جمعه می‌نمود و در وعظ و گفتار خود، از انحرافات فرقه ضاله بابیه می‌گفت و مردم را از خطر نفوذ آن‌ها هشدار می‌داد.

عده‌ای از طرفداران فرقه بهائی درصدد توطئه برای قتل آن عالم مجاهد برآمدند و برای او احساس خطر می‌شد و حتی بعضی از بستگان به او گوشزد می‌کردند که مواظب جانش باشد، ولی او می‌گفت: آرزوی شهادت دارم، امیدوارم به آرزویم برسم!

سال 1264 قمری بود، نیمه شبی از بستر برخاست و به‌سوی مسجد خود رفت و به نماز شب و مناجات و راز و نیاز پرداخت، در آن‌وقت پیره‌زنی به مسجد آمد و چراغ مسجد را روشن کرد.

مرحوم برغانی در آن هنگام، سر به سر سجده گذاشته و مناجات خمسه عشر را با نهایت خضوع و خشوع می‌خواند و گریه می‌کرد، ناگاه چند نفر از فرقه ضاله بابی وارد مسجد شدند، در همان سجده نیزه‌ای بر گردن او زدند و سپس دومین زخم بر او وارد زدند و سپس سومین زخم را زدند که ایشان سر از سجده برداشت و گفت: چرا مرا می‌کشید؟!

آنگاه آن پیره‌زن فریاد کشید، در همان هنگام ضاربین گریختند. مرحوم ملا محمدتقی برغانی (ره) برای اینکه خونش به مسجد نریزد، با زحمت زیاد، کشان‌کشان خود را به در مسجد رسانید و در همان‌جا بی‌هوش به زمین افتاد و در خون خود غوطه‌ور گردید، آنگاه بستگانشان متوجه شده، آمدند و او را به خانه‌اش بردند و پس از دو روز به شهادت رسید.

هنگامی‌که او را به منزل آوردند، براثر شکافته شدن دهانش، قدرت سخن گفتن نداشت، بسیار تشنه می‌شد و قدرت آشامیدن آب نداشت، زیرا وقتی آب بر زخم دهان می‌رسید، می‌سوخت، در آن حال مکرر از تشنگی امام حسین (ع) یاد کرده و گریه می‌کرد و می‌گفت: ای اباعبدالله! جانم به فدایت، از تشنگی به تو چه گذشت؟ سرانجام شهید شد.

بستگان خواستند، جنازه‌اش را به کربلا ببرند، ولی مردم قزوین اجتماع کردند و هجوم آوردند و نگذاشتند و جنازه او را در جوار حضرت امامزاده حسین (ع)، در مقبره جداگانه‌ای دفن کردند و اکنون قبر شریف او در آنجا زیارتگاه مردم مسلمان است. یکی از مؤمنان به نام میرزا جواد می‌گوید: چند روز قبل از شهادت او، به حضورش رفتم، ایشان به بنده گفتند:

التماس دعا دارم، عرض کردم، خداوند، خداوند همه نعمت‌های دنیا و آخرت را از علم و اولاد و تألیفات و توفیق در نشر احکام و... به شما داده است، دیگر چه آرزویی دارید که از من التماس دعا می‌کنی!

فرمود: آرزوی شهادت دارم.

عرض کردم: شما همیشه در شهادت بلکه بالاتر از آن هستید، ولی او فرمود: من آرزوی شهادت به معنی به خون آغشته شدن را می‌خواهم.[[17]](#footnote-17)

آری پیوند خوردن با مسجد و سید و سالار شهیدان، روحیه ایثار و شهادت طلبی فرد را تقویت و زمینه گام نهادن در این مسیر را فراهم می‌کند.

اگر امروز بسیجیان ما در صحنه‌های سوریه و عراق و برای دفاع از حرم‌های ائمه (علیهم السلام) و امامزادگان صف می‌کشند و آرزوی گام نهادن در این مسیر را در سر دارند؛ به خاطر این است که زندگی این قشر با مسجد و امام حسین (ع) گره خورده و همانگونه که آن حضرت همه دارایی خود را در راه دفاع از دین و قرآن تقدیم نمود، این‌ها نیز حاضرند زندگی و عمر خود را در این مسیر تقدیم کنند.

1. . صحیفه نور ج 2، ص 211. [↑](#footnote-ref-1)
2. . همان، ج 6، ص 131. [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان، ج 21، ص 841. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان، ج 12، ص 393. [↑](#footnote-ref-4)
5. . توبه /52 [↑](#footnote-ref-5)
6. . ترجمه الميزان، ج‏9، ص 413. [↑](#footnote-ref-6)
7. . كافي، ج‏2، ص 348. [↑](#footnote-ref-7)
8. . نهج‌البلاغه ص 180. [↑](#footnote-ref-8)
9. . حدیث ماندگار، ص 112. [↑](#footnote-ref-9)
10. . شهادتنامه، ج 2. ص 13. [↑](#footnote-ref-10)
11. . نهج‌البلاغه، خ 182. [↑](#footnote-ref-11)
12. . هزار حنجره آواز، ج 1، ص 48. [↑](#footnote-ref-12)
13. . داستان‌ها و پندها، جلد 10 ص 139. [↑](#footnote-ref-13)
14. . آل‌عمران/169 [↑](#footnote-ref-14)
15. . داستان‌ها و حکایت‌های مسجد -163، حکایت 57. [↑](#footnote-ref-15)
16. . http://www.khuzpress.ir/news [↑](#footnote-ref-16)
17. . اقتباس از قصص العلماء، ص 57. [↑](#footnote-ref-17)